

تعریف علم و دین

تعریف علم

مجموعه مسائل به مثابه بستر تلاش برای شناخت حصولی

تعریف دین

مجموعه اموری که از ناحیه خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین شده

رابطه علم و دین

۱. تباین و استقلال

۱-۱. دو هدف متفاوت

وظیفه علم این است که روابط میان پدیده‌ها را تبیین کند و رسالت دین بیان رابطه پدیده‌ها با روح انسان و نقش آنها در تأمین مصلحت ابدی انسان است. وظیفه کشف خواص فیزیکی و شیمیایی مواد و تبیین میزان و نوع عناصری که برای تشکیل مواد مختلف لازم‌اند بر عهده علم است، ولی بیان نحوه استفاده از اشیا برای تأمین سعادت واقعی انسان از عهده علم خارج است، و این وظیفه سترگ بر دوش دین نهاده شده است.

رابطه علم و دین ص ۱۳۳ و ۱۳۴

بنابراین، انجام کاری مانند غذاپختن از این جهت می‌تواند در دایره دین قرارگیرد که رابطه آن با سعادت اخروی مدنظر باشد و مسائلی چون حلیت مواد اولیه، مباح بودن پولی که برای آن پرداخت می‌شود، و مانند آن مطرح باشند، نه سؤال‌هایی درباره کیفیت پخت، مزه، یا حتی ارزش غذایی آن. چنان‌که معماری و ساختمان‌سازی از این جهت در قلمرو مسائل دینی داخل می‌شود که ممکن است کیفیت یا کمیت آن در سعادت و شقاوت نهایی انسان‌ها دخالت داشته باشد. بدون شک، بنای ساختمان به صورتی که با ارزش‌های دینی منافات نداشته باشد، مانند آن‌که به گونه‌ای بنا شود که مزاحم دیگر مؤمنان و مشرف بر خانه آنان نباشد، در زمینی غصبی ساخته نشود، و مصالح ساختمانی آن مباح باشد، از دغدغه‌های دینی است و از این جهت در دایره دین واقع می‌شود. اما مسائلی از قبیل این‌که در بنای ساختمان از چه نوع مصالحی (آجر، سیمان، بتون آرمه، یا اسکلت فلزی) استفاده شود، یا در طراحی ساختمان چه نکات زیباشناختی یا اقتصادی رعایت شود، به این دلیل که تأثیری مستقیم در سعادت یا شقاوت نهایی انسان ندارند، با دین به این معنا نیز اصطکاک پیدا نمی‌کنند، مگر آن‌که آنها نیز به نوعی با ارزش‌های دینی و سعادت انسانی پیوند یابند. به عنوان مثال، اگر رعایت نکات ایمنی در ساختمان‌سازی، یا عایق‌بندی در و پنجره برای به حداقل رساندن مصرف انرژی از این زاویه بنگریم که رعایت این نکات و تکنیک‌ها موجب حفاظت بهتر از جان مسلمانان، پرهیز از اسراف، یا صرفه‌جویی در مصرف منابع عمومی انرژی در کشور اسلامی، و در نتیجه رعایت مصلحت جامعه اسلامی می‌شود، وارد قلمرو دین شده‌ایم.

شاید این شبهه به ذهن خطور کند که خارج کردن برخی از معارف و احکام عقلی و تجربی مانند بعضی از احکام عقلی فلسفه، منطق، و ریاضیات، و برخی مطالب پزشکی و مانند آن - از دایره دین، مستلزم محدود کردن قلمرو دین به امور اخروی و درغلتیدن به وادی سکولاریسم است! ولی دقت در نکاتی که به آن‌ها اشاره شد، این توهم را رفع می‌کند. ما تأکید کردیم که قلمرو دین همه عرصه‌های زندگی را دربرمی‌گیرد، ولی این شمول به معنای آن است که دین رابطه آنها با سعادت و شقاوت انسان - یا به عبارت دیگر تأثیر آنها در هدایت انسان - را مد نظر قرار می‌دهد، نه این که روابط صرفاً مادی و دنیوی میان پدیده‌ها و رفتارها با نتایج این جهانی آنها را بررسی و از به‌عنوان دین درباره آنها داوری کند. رسالت دین این نیست که مهندسی، آشپزی، خلبانی، کشتی‌رانی، یا ... به انسان‌ها بیاموزد، زیرا خداوند برای شناخت و انجام این امور ابزارها و راه‌های مناسبی را در اختیار بشر قرار داده است. بعضی از این مسائل، مانند مباحث کلی متافیزیک، ماهیتی عقلی دارند و راه شناخت و حل آنها روش عقلی و فلسفی است. برخی دیگر مانند مسائل علوم طبیعی ماهیتی تجربی دارند و راه کشف روابط و حل مسائل آنها تجربه حسی است. دین وظیفه‌ای برای تبیین پدیده‌های طبیعی از راه کشف روابط علی و معلولی میان آنها برعهده ندارد. آنچه ضرورت دین را اثبات می‌کند، و هدف دین را تشکیل می‌دهد این است که تأثیر پدیده‌های مختلف در سعادت یا شقاوت انسان را تبیین کند، و این امر در بسیاری از موارد به عمل اختیاری انسان مربوط می‌شود. رابطه عمل اختیاری انسان با سعادت یا شقاوت ابدی او در ادبیات دینی با تعابیر حلال و حرام، امر و نهی، خوب و بد، بیان می‌شود.

این نگاه به دین و رابطه آن با ساحت‌های مختلف زندگی کاملاً برخلاف بینش سکولار است. سکولاریسم می‌گوید دین در اقتصاد، سیاست، هنر، و مانند آنها حق دخالت ندارد، و باید کار را به اقتصاددان‌ها، سیاست‌مداران، و هنرمندان واگذارد. از نظر سکولارها، تنها حوزه‌ای که به دین مربوط می‌شود، حوزه رابطه شخصی با خداوند است (البته به فرض آن که وجود او را بپذیرند). ولی ما معتقدیم دین در همه صحنه‌های حیات فردی و اجتماعی حضور دارد، اما نه به این معنا که جای علم، فلسفه، و یا هنر می‌نشیند، بلکه به این معنا که وجه ارزشی آنها را بیان می‌کند.

۲-۱. دو روش متفاوت

۳-۱. دو مساله متفاوت

۴-۱. دو زبان معنادار و بی معنا

۲. تعارض

۳. مطابقت به معنای عدم اختلاف

۴. هم پوشانی کامل

۵. همکاری

تقسیم دین به حداقلی و حداکثری یک تقسیم عقلی ثنائی نیست که ناچار از قبول یکی از آنها باشیم. امر دایره مدار این دو گزینه (دین حداکثری و حداقلی به این معنا) نیست، تا نفی یکی خودبه‌خود به اثبات دیگری بیانجامد. بلکه در اینجا گزینه سوم صحیح است و آن عبارت است از این که: دین در تمام عرصه‌های زندگی انسان حضور دارد ولی نه به معنای آن که مسائل را از لحاظ کیفیت وقوع خارجی و کم و کیف تحقق آنها بررسی کند، بلکه به این معنا که دین از لحاظ ارزشی و ارتباط مسائل با سعادت و شقاوت ابدی انسان داوری می‌کند و کلیات معارف مربوط را در اختیار او قرار می‌دهد، و تطبیق این قواعد کلی بر موارد جزئی باید بر اساس روش اجتهادی انجام شود. بنابراین علم، صنعت، و هنر باید در حیطه قلمرو خویش کار خود را انجام دهند و در این محدوده نیازی به دین ندارند، اما دین در همه مواردی که با افعال اختیاری انسان سروکار پیدا می‌کند می‌گوید: اگر کار را این طور انجام دهید موجب سعادت می‌شود، خدا راضی است، و به نفع مردم است، و در یک کلمه، حلال است، ولی اگر به گونه‌ای دیگر انجام دهید موجب شقاوت است، خدا از آن ناراضی است، به ضرر مردم تمام می‌شود، و حرام است. پس، دین در همه عرصه‌های زندگی به این معنا حضور دارد.

رابطه علم و دین ص ۱۳۱ و ۱۳۲

البته، گاهی دین تفضلاً، با بیانی ارشادی و هدایتی، به برخی مسائل علمی اشاره می‌کند، که آن هم غالباً مقدمه‌ای برای هدف اصلی دین و راهنمایی به راه‌های سعادت و شقاوت است. مثلاً دین برای این که انسان را هدایت کند و به طرف تفکر، شناخت عمیق‌تر، و عبودیت کامل‌تر خدا سوق دهد نمونه‌هایی از نعمت‌های خدا را در آفاق و انفس بیان می‌کند تا انسان خدا را بهتر بشناسد، درباره حکمت‌های او بیشتر فکر کند، درباره نعمت‌های او بیشتر بیاندیشد، تا انگیزه‌ای قوی‌تر برای شکرکردن پیدا کند، و به این وسیله به سعادت خود نائل گردد. برای چنین هدفی، گاه منابع دینی بر اصل آنچه مردم می‌دانند از آن جهت تکیه می‌کند که آنها را متوجه نعمت‌ها و حکمت‌های آفرینش کند. اینگونه مباحث، در صورتی که از نظر سند و دلالت کامل باشند، حق و مطابق با واقع‌اند و اعتقاد به آنها به عنوان بخشی از محتوای وحی لازم است، اما اصالتاً جزء دین نیستند، بلکه بالعرض و برای یک هدف دینی بیان شده‌اند. اگر در منابع معتبر دینی گفته شد که زنبور چنین است، حق است، ولی معنایش این نیست که جزء معارف دینی است تا بیان برخی از آنها دین را به زیور کمالی

بیاراید، یا عدم بیان برخی دیگر گرد نقصی بر دامن دین بنشاند. این گونه مسائل به طور تطفلی و از روی تفضل در منابع دینی ذکر شده است ولی بیان آنها از ارکان دین و از اجزای اصلی دین نیست. ...

مشابه این رابطه در علوم انسانی و اجتماعی نیز وجود دارد. به عنوان نمونه، در مباحث اقتصادی، تا جایی که به قوانین علمی اقتصاد مربوط می‌شود، میان بازار مسلمانان و غیر مسلمانان تفاوتی اساسی وجود ندارد. هیچ کس انکار نمی‌کند که مکانیسم‌هایی بر روابط اقتصادی میان انسان‌ها حاکم است که می‌توان با استفاده از روش‌های علمی آنها را کشف و تبیین نمود. اما نقش دین در مسائل دستوری یا توصیه‌ای اقتصاد تجلی می‌کند. هنگامی که پا را از توصیف روابط اقتصادی و تبیین قواعد کلی حاکم بر آنها فراتر می‌گذاریم و به هنجارها و دستورالعمل‌های اقتصادی می‌پردازیم که مکاتب اقتصادی را از یکدیگر متمایز می‌کند، نقش آموزه‌های دینی در تشریح نظام اقتصادی اسلام روشن می‌شود. مکتب (یا نظام) اقتصادی اسلام بر ارزشهایی خاص مبتنی است که تمامی ابعاد فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان (مانند کمیت و کیفیت تولید، نوع کالا، هدف از تولید، قیمت گذاری، نحوه رقابت و فروش) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین هنگامی که می‌گوییم: اسلام در مورد تمامی شؤون زندگی انسان، از جمله مدیریت خرد یا کلان، رهبری جامعه و روابط بین الملل، قانون و ... سخن دارد، به این معناست که بالاترین نقش آموزه‌های اسلام به عنوان یک دین، تأثیرگذاری آن از طریق «نظام ارزشی» است که در دستورالعمل‌ها و احکام مربوط به این روابط تجلی می‌کند.

رابطه علم و دین ۱۳۲ - ۱۳۵

علم دینی

۱. علم با ارزش گذاری دینی

علم در این تعریف، وظیفه شناخت پدیده‌ها و روابط میان پدیده‌ها را بر عهده دارد. به عنوان نمونه، مطالعه اجسام و بررسی میزان و نوع عناصری که یک ماده مشخص را می‌سازند، و بیان خواص فیزیکی و شیمیایی آن از اهداف برخی علوم طبیعی به‌شمار می‌روند. از طرف دیگر، بیان نوع استفاده از آن به منظور دستیابی به سعادت واقعی انسان از محدوده موضوع و هدف علم فراتر است. این دین است که رسالت تبیین رابطه پدیده‌ها با کمال روح انسان و مصالح انسانی را برعهده دارد و نحوه تعامل انسان با پدیده‌های مادی و غیرمادی را ارزش گذاری کرده، تکلیف انسان را در برخورد با آنها تعیین می‌نماید. همچنین در علوم انسانی تا جایی که سخن از تشریح ماهیت یک پدیده انسانی یا اجتماعی و تبیین رابطه آن با دیگر پدیده‌هاست، با علم محض سروکار داریم. این علوم که صرفاً به توصیف واقعیات انسانی و اجتماعی می‌پردازند میان دین‌داران و بی‌دینان، مسلمانان و غیرمسلمانان مشترک‌اند. ولی به محض آن که پا را از توصیف فراتر گذاشته، به قلمرو ارزش گذاری، هنجاریابی، و توصیه دستورالعمل‌های اقتصادی، حقوقی، تربیتی، و مانند آنها وارد شویم، به مرزهای مشترک با دین پا گذاشته‌ایم. به عنوان نمونه، در مباحث اقتصادی، مطالعه و تبیین مکانیسم‌های علمی حاکم بر بازار جزئی از علم اقتصاد است که دینی و غیردینی ندارد. ولی هنگامی که بحث از کمیت و کیفیت تولید، نوع کالا، هدف از تولید، قیمت گذاری، رقابت، فروش، و مانند آنها به میان می‌آید، ارزش‌هایی در تعیین این مسائل دخالت دارند که با هدف دین تداخل پیدا می‌کنند. از این رو، اعتقادات، اخلاقیات، و احکام عملی دین می‌توانند اصول موضوعه، پاسخ‌ها، و دستورالعمل‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند. در این گونه مسائل است که تفاوت میان علم دینی و غیردینی آشکار می‌شود. بر این اساس، اقتصاد دینی (اسلامی) علمی است که مبانی عقیدتی و ارزشی دین را در سطوح مختلف این علم

مد نظر قرار می‌دهد و با آن مطابقت دارد، یا دست‌کم با آنها تنافی ندارد. ضرورت این مطابقت و عدم تنافی یک الزام تعبدی صرف نیست، بلکه خود بر اصولی مبتنی است که در جای خود با برهان عقلی به اثبات رسیده است، و به همین دلیل مورد قبول و تأکید ماست.

رابطه علم و دین ۲۰۵ و ۲۰۶

۲. علم برطرف کننده نیاز دینی

۱. درک حضور خدا
۲. تعلیم دین
۳. عدالت و امنیت در ارتباطات مالی و سیاسی
۴. آزادی و مبارزه با طاغوت
۵. معنویت
۶. کمک برای غذا و پوشاک و مسکن و درمان و حفظ جان
۷. کمک به محرومان
۸. موضوعات احکام دینی

۳. علم با منابع دینی

دین و ملاحظاتی بر تکنولوژی

تعریف تکنولوژی: کاربرد علم و تجربه در تولید و یا ارائه خدمات
داستان ممانعت از ورود بلندگو به مساجد و ترس‌های به جا
توجه به نمونه‌های اثر فرهنگ غربی بر فناوری‌های وارداتی
یک چالش: اگر اهل بیت بر مصدر بودند، آیا هواپیما داشتیم؟

راه برون رفت از سلطه تکنولوژی بیگانه

۱. تربیت متخصصین دین دار

اگر مسلمانان سستی مجسمه‌های غول پیکر میکل آنژ را خورد کننده و کلیساهای به سبک روکوکو را خفقان آور می‌یابد، به واسطه همین تسلیم در برابر پروردگار و ترس از تعظیم نفس در محضر الهی است که معنویت اسلامی در روح و ضمیر او برانگیخته است. مسئله این نیست که هنرمندان مسلمان نمی‌توانند آثار هنری عظیم خلق کنند، کما اینکه در دوران مدرن چنین کرده‌اند، بلکه این است که هیچ مسلمانی مادام که نقش و اثر معنویت اسلامی بر ضمیر او قوی باشد، دست به چنین کاری نمی‌زند.

هنر و معنویت اسلامی، ص ۱۹

۲. گفتمان سازی

۲-۱. همایش های حکومتی

۲-۲. تشویق حکومتی در محیط های نخبگانی

۲-۳. گفتمان عمومی آسیب شناسی

۳. تدوین قانون های حمایتی

سخن آخر

علم به ما روشنایی و توانایی می بخشد و ایمان، عشق و امید؛ علم ابزار می سازد و ایمان مقصد؛ علم سرعت می دهد و ایمان جهت؛ علم توانستن است و ایمان خوب خواستن؛ علم می نمایاند که چه هست و ایمان الهام می بخشد که چه باید کرد؛ علم انقلاب برون است و ایمان انقلاب درون؛ علم، جهان را جهان آدمی می کند و ایمان، روان را روان آدمیت می سازد؛ علم وجود انسان را به صورت افقی گسترش می دهد و ایمان به شکل عمودی بالا می برد؛ علم، طبیعت ساز است و ایمان، انسان ساز؛ هم علم به انسان نیرو می دهد و هم ایمان؛ اما علم نیروی منفصل می دهد و ایمان نیروی متصل؛ علم زیبایی است و ایمان هم زیبایی؛ علم زیبایی عقل است و ایمان زیبایی روح، علم زیبایی اندیشه است و ایمان زیبایی احساس؛ هم علم به انسان امنیت می بخشد و هم ایمان، علم امنیت برونی می دهد و ایمان امنیت درونی؛ علم در مقابل هجوم بیماری ها، سیل ها، زلزله ها، طوفان ها، ایمنی می دهد و ایمان در مقابل اضطراب ها، تنهایی ها، احساس بی پناهی ها، پوچ انگاری ها؛ علم جهان را با انسان و ایمان انسان را با خودش سازگار می کند. قدرت و توانایی علم از نوع قدرت و توانایی ابزار است، یعنی به اراده و فرمان انسان بستگی دارد؛ انسان در هر ناحیه ای که بخواهد کاری انجام دهد با ابزار علم بهتر می تواند انجام دهد. این انسان است که پیش از آنکه ابزار را به کار اندازد، مقصد را در نظر گرفته است. بدیهی است: نه ایمان می تواند جانشین علم شود و نه علم می تواند جانشین ایمان شود. تجربه نیز نشان داده است جدایی علم و ایمان خسارت های غیرقابل جبران به بار آورده است.

معرفی کتاب

محمد مهدی میرباقری، اندیشه نوین اسلامی

نیل پستمن، زندگی در عیش مردن در خوشی

نیل پستمن، تکنوپولی

اصغر طاهر زاده، علل تزلزل تمدن غرب

محمد تقی مصباح، رابطه علم و دین

گروه مؤلفان، علم دینی دیدگاه ها و ملاحظات

حسین مطیع، رابطه دین و فناوری

سید حسین نصر، هنر و معنویت اسلامی